

## ۱۱) للرجعة يوم معلوم كما لهذا العالم: ۱۱- رجعت هماند این عالم روزی معلوم دارد

من يطالع بيان بعض الأحداث المهمة في الروايات يجد أنها يُشار لها مرة في هذا العالم الجسماني، وأخرى في عالم الرجعة، كقضية مقتل إبليس مضل الأمم (لعنه الله).

کسی که بیان برخی رویدادهای مهم در روایات را مورد مطالعه قرار دهد، درمی یابد که این رویدادها یک بار به این عالم جسمانی و بار دیگر به عالم رجعت اشاره دارند؛ همچون ماجرای کشته شدن ابلیس، گمراه کننده امتها (خداوند لعنتش کند).

فقد ورد أنّ قاتله في اليوم المعلوم هو القائم (ع) في مسجد الكوفة:

روایت شده است که قاتل ابلیس در روز معلوم، قائم (ع) و در مسجد کوفه است:

عن وهب بن جميع مولى إسحاق بن عمار، قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن قول إبليس: (رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ \* قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ) 1، قال له وهب: جعلت فداك أي يوم هو؟ قال: (يا وهب أتحسب أنه يوم يبعث الله فيه الناس؟ إن الله أنظره إلى يوم يبعث فيه قائمنا، فإذا بعث الله قائمنا كان في مسجد الكوفة، وجاء إبليس حتى يجثو بين يديه على ركبتيه فيقول: يا ويله من هذا اليوم فيأخذ بناصيته فيضرب عنقه، فذلك يوم الوقت المعلوم) 2.

از وهب بن جمیع، غلام اسحاق بن عمار روایت شده است: از اباعبدالله (ع) از سخن ابلیس (گفت: ای پروردگار من! مرا تا روزی که از نو زنده شوند مهلت

1 الحجر: 36 - 38.

2 بحار الأنوار: ج 60 ص 254.

ده\*گفت: تو از مهلت یافتگانی\* تا آن روز معین معلوم)؛<sup>3</sup> پرسیدم. وهب به ایشان عرض کرد: فدایت کردم، منظور کدام روز است؟ فرمود: «ای وهب، آیا گمان می کنی آن روز، روزی است که مردم برانگیخته می شوند؟ خداوند تا روزی که قائم ما در آن برانگیخته می شود به او فرصت داده است؛ پس هرگاه خدا قائم ما را برانگیزد، او در مسجد کوفه است. ابلیس می آید تا در برابر او زانو می زند و می گوید: ای وای از این روزگار! از این روز! حضرت، موی پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند؛ این روز، روزِ وقت معلوم است».<sup>4</sup>

وورد أنّ قاتله هو رسول الله في اليوم المعلوم أيضاً:

و در روایت دیگر نیز از کشته شدن ابلیس به دست رسول خدا (ص) در روز معلوم سخن به میان آمده است:

عن عبد الكريم بن عمرو الخثعمي، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (إن إبليس قال: (أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ)، فَأَبَى اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِ، قَالَ: (فَأِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ)، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ظَهَرَ إبليس لعنه الله في جميع أشياعه منذ خلق الله آدم إلى يوم الوقت المعلوم، وهي آخر مرة يكرها أمير المؤمنين (ع).

از عبدالكريم بن عمرو خثعمي نقل شده است: از امام صادق (ع) (شنیدم که می فرمود): «ابلیس به خداوند عرض کرد: (مرا تا روزی که برانگیخته می شوند، مهلت ده). خدای سبحان خواسته او را نپذیرفت و فرمود: (تو از مهلت داده شدگانی\* تا روزِ وقت معلوم). زمانی که روزِ وقت معلوم فرا رسد، ابلیس

<sup>3</sup> بقره: ۱۸۹.

<sup>4</sup> بحار الانوار: ج ۶۰، ص ۲۵۴.

لعنت الله با تمام هوادارانش از زمان آفرینش حضرت آدم (ع) تا آن روز پدیدار می‌شود؛ آن هنگام، آخرین رجعتی است که امیرالمؤمنین (ع) انجام می‌دهد.

فقلت: وإنما لكرات؟ قال: نعم إنها لكرات وكرات، ما من إمام في قرن إلا ويكر معه البر والفاجر في دهره حتى يدل الله المؤمن من الكافر، فإذا كان يوم الوقت المعلوم كر أمير المؤمنين (ع) في أصحابه و جاء إبليس في أصحابه، ويكون ميقاتهم في أرض من أراضي الفرات يقال له الروحا قريب من كوفتكم، فيقتتلون قتالاً لم يقتتل مثله منذ خلق الله عز وجل العالمين، فكأنني أنظر إلى أصحاب علي أمير المؤمنين (ع) قد رجعوا إلى خلفهم القهقري مائة قدم، وكأنني أنظر إليهم وقد وقعت بعض أرجلهم في الفرات، فعند ذلك يهبط الجبار عز وجل (في ظل من الغمام والملائكة وقضي الأمر) رسول الله بيده حربة من نور، فإذا نظر إليه إبليس رجع القهقري ناكصاً على عقبيه، فيقولون له أصحابه: أين تريد وقد ظفرت؟ فيقول: (إني أرى ما لا ترون إني أخاف الله رب العالمين)، فيلحقه النبي فيطعنه طعنة بين كتفيه فيكون هلاكه وهلاك جميع أشياعه، فعند ذلك يعبد الله عز وجل ولا يشرك به شيئاً، ويملك أمير المؤمنين (ع) أربعاً وأربعين ألف سنة حتى يلد الرجل من شيعة علي (ع) ألف ولد من صلبه ذكراً، وعند ذلك تظهر الجنتان المدهامتان عند مسجد الكوفة وما حوله بما شاء الله) 5.

به آن حضرت عرض کردم: آیا رجعت چندین بار صورت می‌گیرد؟ فرمود: آری، رجعت چندین و چند بار است. هیچ امام و پیشوایی در هیچ قرنی نیست، مگر اینکه افراد مؤمن و نیکوکار و انسان‌های تبهکار زمانش با او رجعت می‌کنند تا خداوند به وسیله مؤمن، از کافر انتقام بگیرد. آن زمان که روز معلوم فرا برسد، امیرالمؤمنین (ع) با یاران خود رجعت می‌کند و ابلیس و هوادارانش نیز می‌آیند و میعادگاه آنان در زمینی از زمین‌های فرات به نام «روحا» است که نزدیک کوفه شما قرار دارد. آنان با یکدیگر چنان نبردی می‌کنند که از زمانی که خداوند جهانیان را آفریده، بی سابقه است. گویی به یاران امیرالمؤمنین علی (ع) می‌نگرم

که صد گام به عقب برمی‌گردند و عقب‌نشینی می‌کنند و گویی می‌بینم که قسمتی از پاهای آنان داخل فرات شده است؛ در این هنگام جبار عزوجل (با فرشتگان در زیر سایبانی از ابر نزدشان بیاید و کار یکسره شود) فرود می‌آید و رسول خدا ص سلاحی از نور در دست دارد. هنگامی که ابلیس به آن حضرت می‌نگرد، به عقب برمی‌گردد و عقب می‌نشیند. یارانش به او می‌گویند کجا می‌خواهی بروی و حال آنکه تو پیروز شده‌ای؟ ابلیس می‌گوید: (من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید. من از خدا، پروردگار جهانیان بیم دارم). رسول خدا ص با او درگیر می‌شود و حربه‌ای میان دو کتف او فرود می‌آورد که هلاکت ابلیس و هلاکت تمام هواداران او را در پی خواهد داشت. در این زمان، فقط خدای عزوجل عبادت می‌شود و به او شرک ورزیده نمی‌شود و امیرالمؤمنین (ع) به مدت چهل و چهار هزار سال حکومت می‌کند تا آنجا که از هر مرد شیعه و پیرو علی (ع) هزار فرزند پسر به وجود می‌آید و در این هنگام دو باغ سرسبز سیاه‌فام (الجتان مدهامتان) در کنار مسجد کوفه و اطرافش آن‌گونه که خدا بخواهد پدیدار می‌گردد»<sup>6</sup>.

وهو ما رفع تشابهه السيد أحمد الحسن (ع) في كتبه الشريفة وأجوبته فيها:  
و این شبیه‌های بود که سید احمد الحسن (ع) در کتاب‌های شریف و با پاسخ‌هایشان به رفع ابهامش پرداخته است.

**فمن بيان آية الغمام في الرواية، يقول:**  
درباره آیه «ابرها» در روایت فرموده‌اند:

إِوَقَالَ تَعَالَى: (هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ)7، والذي يأتي في ظل من الغمام هو محمد (الله في الخلق) في الرجعة وببده حربة من نور فيقتل إبليس (لعنه الله)، فتعالى سبحانه عن الإتيان والمجيء والذهاب أو الحركة وهي من صفات الخلق... [8، ثم ذكر رواية الخثعمي المتقدمة.

(آيا اينان منتظرند که خدا با فرشتگان در زیر سایبانی از ابر نزدشان بیايد و کار یکسره شود؟ حال آنکه همه کارها به خداوند بازگردانیده می شود)؛9. کسی که در زیر سایبانی از ابر می آید حضرت محمد ص (خدای در خلق) است که در زمان رجعت می آید و در دستش نیزه ای از نور است و ابلیس (لعنت خدا بر او) را می کشد. خداوند سبحان از حاضر شدن و آمدن و رفتن منزّه است و حرکت یا آمدن او از صفات مخلوق محسوب می شود...10 و پس از آن روایت -پیشین- خثعمی را ذکر می فرماید؛

ثم سئل السيد أحمد الحسن (ع): في أكثر من آية كريمة نرى أنّ أئمة الهدى يفسرون الآية في هذا العالم وفي عالم الرجعة، فما حكمة ذلك؟؟  
سپس از سید احمد الحسن (ع) پرسیده شد: در بیشتر از یک آیه کریم می بینیم که ائمه هدایت (ع) این آیه را به این عالم و عالم رجعت تفسیر می کنند؛ حکمت آن چیست؟

فقال: [يوم الوقت المعلوم هو يوم قيام القائم وفيه يقتل إبليس كما ورد يقتله القائم في مسجد الكوفة، ولكن بما أنّ الرجعة إعادة امتحان بعض الخلق ممن محضوا الايمان وممن محضوا الكفر، فيعاد معهم مصل الأمم إبليس (لعنه الله)؛

7 البقرة: 210

8 كتاب التوحيد: ص 41، أحد إصدارات أنصار الامام المهدي ع.

9 بقره: 210.

10 كتاب توحيد: ص 41 - از انتشارات انصار امام مهدي ع.

لأنه ممن محضوا الكفر ولأنه أحد أفراد الامتحان الإلهي، وبالتالي أيضاً يكون في الرجعة يوم معلوم آخر، أو قل إعادة لليوم المعلوم الحقيقي - الأصل - الذي كان في الحياة الجسمانية.

ایشان فرمودند: «روز وقت معلوم، روز قیام قائم است که ابلیس در آن روز کشته می شود. همان گونه که روایت شده است، قائم (ع) او را در مسجد کوفه به قتل می رساند. اما از آنجا که رجعت، تکرار امتحان برخی از خلق است - که ایمان محض و کفر محض داشته اند - ابلیس ملعون گمراه کننده خلق نیز به همراه آنان باز می گردد، زیرا از جمله کسانی است که به کفر محض رسیده است و به علاوه او یکی از افراد مورد آزمایش در امتحان الهی نیز هست. و در نتیجه در مورد رجعت نیز روز معلوم دیگری وجود دارد؛ یا به عبارت دیگر، تکرار روز معلوم حقیقی - اصلی - که در این زندگی جسمانی بوده است.

الرجعة اسمها دال عليها وفقك الله، هي رجعة أي أنها إعادة، أناس ماتوا يعودون، امتحان انتهى يعاد، أيام مضت تعاد .....، فإذا كان لإبليس يوم وقت معلوم عند قيام القائم كما في الروايات وانتهى الأمر في هذا اليوم، وقتل القائم إبليس في هذا اليوم ثم كانت الرجعة وأعيد إبليس باعتبار أنه ممن محضوا الكفر محضاً، فهل يترك بعد إعادته إلى يوم يبعثون كما طلب هو؟! أم يعاد عليه يوم الوقت المعلوم في عالم الرجعة بما يناسب عالم الرجعة ويكون قاتله في الرجعة هو رسول الله كما في الرواية؟!].

نام رجعت - خداوند توفیقت دهد - بر معنایش دلالت دارد؛ به معنای بازگشت یا تکرار است؛ عده ای که مرده بوده اند، باز می گردند؛ آزمونی که پایان یافته، تکرار می شود؛ و روزهایی که گذشته اند، باز خواهند گشت... پس هنگامی که طبق روایات، ابلیس روز و وقت مشخصی در زمان قائم داشته باشد و در آن روز کارش یکسره شود و ابلیس در این روز توسط قائم کشته شود، در نهایت رجعت و بازگشتی خواهد بود و ابلیس باز خواهد گشت، زیرا ابلیس از دسته کسانی است که

در کفر، به نهایت آن رسیده‌اند؛ حال آیا پس از بازگشتش تا روز قیامت، آن‌گونه که خودش درخواست کرده است رها و به حال خود باقی گذاشته خواهد شد؟! یا روز معلوم در عالم رجعت، بر اساس آنچه مناسب آن عالم (رجعت) است، بار دیگر برایش تکرار می‌شود و بر اساس روایت، قاتل او در رجعت، رسول خدا (ص) خواهد بود؟!».

ويقول أيضاً: [القتلة الأولى: في ظهور القائم (ع)، والقيامة الصغرى في هذه الدنيا، حيث يقتله القائم في مسجد الكوفة عند ظهور الحق، ويلقيه في هاوية الجحيم. والقتلة الثانية: في الرجعة (في الأولى) التي تبدأ بعد انقضاء ملك المهدي الثاني عشر حيث يرجع عليه الحسين بن علي (ع)، ويرجع علي بن أبي طالب (ع) وكل من محض الإيمان محضاً وكل من محض الكفر محضاً، ويرجع إبليس (لعنه الله) أيضاً لأنه ممن محض الكفر محضاً ويقتله رسول الله كما في الرواية الثانية]

11.

و همچنین می‌فرماید:

به قتل رسانیدن نخست، هنگام ظهور حضرت قائم (ع) و قیامت صغری در این دنیا صورت می‌گیرد - که به هنگام ظهور حق - حضرت قائم (ع) او را در مسجد کوفه می‌کشد و در هاویه جحیم می‌افکند. به قتل رساندن دوم، در رجعت (در نخستین) است که پس از پایان حکومت مهدی دوازدهم صورت می‌گیرد؛ که در آن زمان حسین بن علی و علی بن ابی طالب (ع) و هر کس که ایمان خالص و کفر خالص داشته باشد رجعت می‌کند. ابلیس (لعنت خدا بر او) نیز در آن زمان رجعت می‌کند، زیرا وی جزو کسانی است که کفر خالص دارند و همان‌طور که در روایت دوم آمده است، پیامبر خدا (ص) او را می‌کشد. 12

11 المتشابهات: ج 4 سؤال رقم (177).

12 متشابهات: ج 4، پرسش 177.